

است و شاید مسیری دوست‌داشتنی‌تر... بساط راه می‌اندازم.»

در سمت ادبیات داستانی فارسی

نشر چشمه در زمینه انتشار داستان ایرانی، ناشری موفق و اهل ریسک است که تاکنون توانسته فضای انتشار اثر برای نویسندگان جوان را فراهم کند و به آن‌ها امکان رشد و دیده شدن بدهد. اما چشمه در دیگر زمینه‌ها هم آثار خوبی منتشر کرده است. آثاری که می‌دانیم فقط داستان ایرانی را دربر نمی‌گیرد و در حوزه‌های دیگر هم کتاب‌های خوبی چه ترجمه و چه تالیف منتشر کرده و فکرهای تازه را برای کتابخوان‌ها آورده است.

علاوه بر این ظاهر کتاب‌های نشر چشمه هم همیشه ساده بوده و از الگوهای ثابت و ساده‌ای پیروی کرده‌اند. کتاب‌هایی با زمینه اصولاً خلوت که یونیکرم ساده و خاصشان از همان دور می‌گوید که اهل چشمه‌اند. این نشر در طول سال‌های گذشته آثار نویسندگان و شاعران موفق افغانستان را هم منتشر کرده است. از محمدحسین محمدی تا سیدضیا قاسمی و عطیه عطایی و خیلی‌های دیگر آثارشان را در چشمه به مخاطب فارسی‌زبان ارائه کرده‌اند. در کنار همه چیزهایی که گفته شد، این راه هم باید اضافه کرد که چشمه وقتی نشر اثری را می‌پذیرد، نویسنده را تنها نمی‌گذارد. به کتاب‌اولی‌ها هم حق‌التالیف می‌دهد و برایشان نشست نقد و بررسی برگزار می‌کند. چشمه پای کتابی که منتشر کرده، می‌ایستد و خودش هم تلاش می‌کند کتاب دیده شود. اصلاً این طور نیست که مثل خیلی از ناشران کتابی را منتشر کرده و بابتش از مولف پولی هم بگیرد. بعد هم آن را فراموش کند. چشمه هم مانند هر ناشر دیگری فراز و فرود بسیار داشته است اما این راه هم می‌دانیم که کم خوبی و مهربانی و زاینده‌گی برای نشر ایران نداشت است. و به جرات می‌توان گفت سهم بسزایی در چاپ و نشر ادبیات داستانی فارسی داشته است. همین ویژگی است که می‌تواند از نشر چشمه به عنوان برجسته‌ترین نشر در ادبیات داستانی فارسی نام برد. به جرات می‌توان گفت نشر چشمه یکی از دلایلی اصلی آشتی خواننده فارسی با داستان و رمان فارسی معاصر است.

نشر چشمه در طول این سه دهه، نویسنده‌های بسیاری را به جامعه ایرانی معرفی کرده است که در حال حاضر هر کدام از آنها جایگاه ثابتی در این ادبیات باز کرده‌اند. حسین سنایور یکی از برجسته‌ترین نویسنده‌هایی است که با «نیمه غایب» در دهه هفتاد به جامعه معرفی شد و پس از آن، آثار بسیاری منتشر کرد. او امروز پس از دو دهه، یکی از نویسنده‌های صاحب‌سبک داستان فارسی به شمار می‌رود.

مهسا مجبعلی، یکی دیگر از نویسنده‌هایی است که با «عاشقیت در پاورقی» در همین نشر چشمه معرفی شد. هر چند او بعدها از این نشر جدا شد و به نشر دیگری رفت. اما شروع درخشان او از چشمه بود. نسیم مرعشی، عطیه عطارزاده، سینا دادخواه، پیمان اسماعیلی، زهرا عبدی، عطیه عطارزاده، محمدحسین محمدی، مهدی یزدانی‌خرم، علی اکبر حیدری، کاوه فولادی‌نسب و بسیاری دیگر از نویسندگان دهه هشتاد و نود، از همین نشر شروع کردند، برخی از آنها همچنان با نشر چشمه کار می‌کنند و برخی دیگر جدا شدند. با همه این فصل‌ها و وصل‌ها، نشر چشمه، امروز با داشتن تنها چهار کتاب‌فروشی در تهران، چند کتاب‌فروشی در شهرستان، و پخش بزرگ، یکی از غول‌های نشر ایران است.

که سال‌ها قبل با نشر چشمه به بازار کتاب معرفی شد؛ نمونه‌های این چنینی بسیار زیاد است، به‌ویژه در حوزه ادبیات داستانی فارسی: نسیم مرعشی، عطیه عطارزاده، زهرا عبدی، سینا دادخواه، مهدی افروزش و نام‌های دیگر.

این ناشر هر چند فرصت کار به جوان‌ها را هم می‌دهد اما می‌دانیم که با وسواس آثار را بررسی می‌کند و به همین راحتی‌ها هر کتابی را چاپ نمی‌کند. هر چند این اواخر به این بخش ماجرا در عملکردش انتقاداتی هم وارد کرده‌اند، اما طبیعتاً یک ناشر نمی‌تواند آثاری را با کیفیت یکسان منتشر کند و بالاخره کتاب‌ها هم کیفیت‌های مختلف دارند، مثل آدم‌ها!

باید گفت این مرکز نشر اصول تبلیغات را هم خوب می‌شناسد و می‌تواند آثاری را که منتشر می‌کند، به مخاطبان کتاب معرفی کند. چند سالی است که نشر چشمه با شعار «بگذارید کتاب‌ها ما را بخوانند» شیوه جدیدی از تبلیغات را آغاز کرده است که خلافت‌ها و هوشمندانه است. بیشتر مردم فکر می‌کنند نشر چشمه یک ناشر ادبی است؛ اما کتاب‌های نشر چشمه فقط به کتاب‌های ادبیاتش خلاصه نمی‌شود. فلسفه، سیاست، اقتصاد، کودک و نوجوان، موسیقی، سینما، تئاتر، تاریخ و اسطوره... فضاهای دیگری هستند که مورد توجه نشر چشمه قرار گرفته‌اند.

انتشاردهنده فضای واقعی جامعه

از «کاوه کیانیان» یکی از پسران حسن کیانیان پرسیده شده چرا کتاب‌های شما این قدر بالا و پایین دارد؟ گاه در اوج، گاه در میانه و وسط و شاید کمی پایین‌تر؟ گاه آثاری شگفت‌انگیز و گاه آثاری ناامیدکننده؟ و پاسخی که او داده است در نوع خود جالب است: «ما ناشریم؛ ما جریان‌سازی نمی‌کنیم، ما نویسنده تربیت نمی‌کنیم، اساساً ما نمی‌توانیم بر روند طبیعی فضای ادبی کشور تأثیری قابل‌تامل بگذاریم، ما فقط کوشیده‌ایم بهترین‌ها را منتشر کنیم، حال در زمان‌هایی این بهترین‌هایی که برگزیده‌ایم، جزو نوادر و آثار فاخرند و گاه آثار حتی از متوسط پایین‌تر، پس بهتر است بگوییم ما ناشران تنها کتاب نویسندگان نیستیم، بلکه ما ناشران فضای واقعی حاکم بر ادبیات کشور نیز هستیم و این دیگر به سلیقه و خواست ما یا نوساناتی که شما می‌گویید ارتباطی ندارد. چرا از واقعیت‌ها فرار کنیم؟! وقتی نویسندگان در چه یک ما ننویسند، به طور کاملاً طبیعی نویسندگان در چه دو بیشتر دیده می‌شوند و این چرخه طبیعی خیلی به ناشر ارتباطی پیدا نمی‌کند.»

اگر کتاب نباشد...

از کاوه کیانیان پرسیده شده که اگر نشر نباشد، اگر نتوانید کتاب چاپ کنید، اگر داستان نشر چشمه تمام شود؛ چه می‌کنید؟ و او برای پاسخ دادن به این سوال بازگشته به سال‌های ۶۴ تا ۷۰ و این گونه پاسخ داده است: «در آن سال‌هایی که پدر تازه وارد حوزه نشر و کتاب و کتاب‌فروشی شده بود، وقتی با مشکلی روبرو شده بود، شبیه این سوال را یکی از دوستان پدر از او پرسیده بود که اگر نتوانی کتاب منتشر کنی، چه می‌کنی؟ گفته بود: من تازه مسیر اصلی زندگی‌ام را پیدا کرده‌ام و احساس می‌کنم با چنین مانعی یعنی نتوانستن و ادامه ندادن رودررو نشوم اما اگر بنا به هر دلیلی نتوانستم به ناشر بودن و چاپ کتاب ادامه دهم، روبه‌روی همین کتاب‌فروشی فعلی «بساط کتاب‌فروشی» پهن خواهم کرد. چون احساس می‌کنم مسیر جدید زندگی من با کتاب مسیری روشن‌تر و آینده‌دارتر

هاگردن



■ نویسنده: پیمان هوشمندزاده
■ ناشر: چشمه

پیمان هوشمندزاده اگر چه با ناشران دیگر کارش را شروع کرد، اما با مجموعه داستان «هاگردن» که در نشر چشمه منتشر کرد، آثارش دیده و خوانده شد؛ پس از آن آثار دیگری نیز منتشر کرد که در این میان برخی از این آثار برنده جایزه ادبی شدند. مجموعه حاضر چهار داستان با مضمون روزمرگی و زندگی شهری را دربردارد. «یک بار هم شده سوسن گوش بده»، «مثلاً بازی»، «سوراخ لحاف» و «هاگردن» عنوان داستان‌های این مجموعه خواندنی است.

انجیرهای سرخ مزار



■ نویسنده: محمدحسین محمدی
■ ناشر: چشمه

نشر چشمه در معرفی نویسنده‌های افغان هم نقش چشمگیری داشت. محمدحسین محمدی، یکی از این نویسنده‌ها بود که با کتاب «انجیرهای سرخ مزار» برنده جایزه گلشیری و جایزه ادبی اصفهان شد. روایت افراد مختلف از جنگ و نگاه کردن از چشم و نگرش آن‌ها به جنگ همان چیزی است که در داستان‌های «انجیرهای سرخ مزار» می‌یابیم. نویسنده از آدم‌هایی نوشته که هر کدام به‌نحوی درگیر جنگ هستند.

غروب‌دار



■ نویسنده: سمیه مکیان
■ ناشر: چشمه

سمیه مکیان هم مثل بسیاری از نویسندگان دیگر که با چشمه شروع کردند، و شروعی درخشان داشتند، با «غروب‌دار» آغازی خوش در نشر چشمه داشت. کتاب در اکثر جوایز ادبی نامزد شد و جایزه ادبی بوشهر را نیز از آن خود کرد. رمان با موضوعی نو و پرداختی فوق‌العاده، داستان مردی است که هنگام غروب حافظه‌اش را از دست می‌دهد و دوباره پیش از طلوع فردا به دست می‌آورد.



چشمه از سال ۱۳۶۴ رسماً به عنوان یک ناشر کار خود را آغاز می‌کند و اولین کتابی که به چاپ می‌رساند، کتاب «سرفراز و آزاد» نوشته هوراد فاست، ترجمه عبدالحسین شریفیان بود. دومین کتاب، مجموعه‌ای از شماره‌های روزنامه «روح‌القدس» بود که به ماجرای تاریخی باغ‌شاه و جهانگیرخان صوراسرافیل و... می‌پرداخت